

بررسی نامه سی و یکم نهج البلاغه با توجه به رویکرد بینامتنیت

مرضیه آباد

دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

فاطمه اربابی

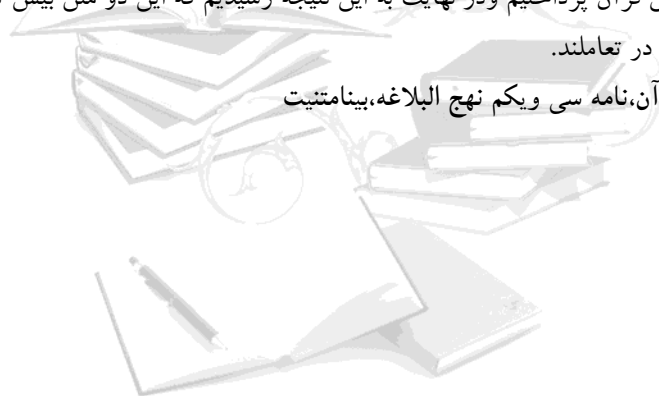
دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

از رویکردهای مهم در پژوهش‌های مربوط به حوزه ادبیات در دهه‌های اخیر مطالعات بینامتنی یا تناص است. با توجه به این رویکرد هیچ متنی مستقل نیست و در خلا به وجود نیامده است، بلکه تعابیر و معانی موجود در آن از آثاری که قبل از آن بوده اند ریشه گرفته است و خود نیز مبنایی خواهد بود برای متونی که پس از آن به وجود خواهد آمد. در این میان قرآن کریم همواره مورد توجه نویسندگان مسلمان و غیر مسلمان و الهام بخش آنها بوده و هست. از آن جمله نهج البلاغه که تعابیر و مفاهیم قرآنی را به شیوه ای هنرمندانه در خود جای داده است.

هدف این پژوهش شناخت و بررسی کیفیت و کمیت تاثیر قرآن بر نامه سی و یکم نهج البلاغه است. و در همین راستا با به کار گیری روش تحلیلی - تطبیقی به تبیین رابطه بینامتنی این نامه با متن قرآن پرداختیم و در نهایت به این نتیجه رسیدیم که این دو متن بیش تر از نظر مضمون باهم در تعاملند.

کلید واژه: قرآن، نامه سی و یکم نهج البلاغه، بینامتنیت



مقدمه

معنای اصلی بینامتنیت *intertextuality* در هم با فتن (*interweaving*) است و در این حوزه وبه طور ساده ناظر است به شکل یافتن هر مفهوم از مولفه‌های متنی متعدد. (صافیان، غیاثوند، ۱۳۹۰، ص ۱۱).

همچنین در تعریف بینامتنیت گفته اند: "بینامتنیت به معنای شیوه‌هایی است که هر متن ادبی به واسطه آنها با سایر متنها از رهگذر نقل قولهای آشکار و پنهان تداخل می‌یابد. ترجمه و سرقات و تقلید را نوعی بینامتنیت می‌نامند." (عبدالمالکی، ۱۳۹۱، ص ۲).

اصطلاح بینامتنیت برای نخستین بار در اواخر دهه شصت میلادی توسط ژولیا کریستوا در بررسی اندیشه‌های باختین به ویژه در بحث از "تخیل گفتگویی" او مطرح شد. (رضایی دشت ارژنه، ۱۳۸۸، ص ۲). بینامتنیت ممکن است در نوشتار و گاه در گفتار نمود پیدا کند. متن از انگاره کریستوا اساسا چیزی جز بینامتنیت نیست. فهم هر متن در واقع فهم متونی دیگر و در واقع مبتنی بر در دست داشتن فهمی از آنهاست. و چنین فهمی صرفا در نسبت با آنها میسر است. (صافیان، غیاثوند، ۱۳۹۰، ص ۱۲).

بینامتنیت ابتدا از نشانه‌شناسی سوسور مایه گرفت. از دیدگاه سوسور نشانه زبانی ترکیبی از دال (تصویر آفرینی) و مدلول (مفهوم) است. نکته مهمی که سوسور در ارتباط با بینامتنیت مطرح کرد این بود که نشانه زبانی به خودی خود بی معناست و تنها به واسطه تقابل با دیگر نشانه‌ها در چارچوب نظام زبان معنا می‌یابد. (رضایی دشت ارژنه، ۸۸، ص ۴). اندیشمند بزرگ دیگری که رویکرد بینامتنیت بیش از دیگران و امدار اوست، میخائیل باختین است. مهم ترین دستاورد باختین در پیوند با بینامتنیت مکالمه باوری اوست. او معتقد است که زندگی سراسر یک مکالمه است. زنده بودن به معنای شرکت کردن در مکالمه است و هر اثر ادبی در گرو مکالمه با آثار دیگر معنا می‌یابد. باختین بر این باور بود که هیچ اثری به تنهایی وجود ندارد و هر اثری از آثار پیشین مایه گرفته و خود را مخاطب یک بستر اجتماعی کرده است. (همان، ص ۵).

کریستوا نظریات باختین درباره بعد گفتگویی متن را با نظریه نشانه‌شناسانه خود پیوند می‌دهد و می‌گوید هر متن در دو محور با دنیای بیرون از خودش ارتباط پیدا می‌کند:

الف: در محور افقی، که نویسنده با خواننده ارتباط برقرار می‌کند.

ب: در محور عمودی، متن با متن‌های دیگر وبا بافتی که متن در آن شکل گرفته است مرتبط می‌شود. (عبدالمالکی، ۱۳۹۱، ص ۵).

گراهام آلن در تشریح دیدگاه نظریه پردازان معاصر سرانجام با زدن حرف آخر اساسا متن را چیزی جز بینامتنیت نمی‌داند (ساسانی، ۱۳۸۳، ص ۳).

اندک تفاوت‌هایی که در برخی متون دیده می‌شود بینامتن بودن آنها را دچار خدشه نمی‌کند، بینامتنیت تنها ساختار متن و کنش شخصیت‌ها را فرا نمی‌گیرد بلکه نوع واژگان، بار معنایی واژگان، چگونگی ترکیب واژگان و عبارت‌ها و در کل تمام ابعاد متن را شامل می‌شود. (رضایی دشت اورژنه، ۱۳۸۸ ص ۱۹).

بارت هم از کسانی بود که در ایجاد نظریه بینامتنیت سهم داشت، او تکثر معنا را مایه لذت می‌دانست

و بسیار با سوژه‌های یگانه مخالف بود. او متون را بینامتنی از متون پیشین می‌دانست و خواننده را متن متکثر می‌انگاشت. به هر حال آخرین کسی که با توجه به نظریات بارت و سوسور از اصطلاح بینامتنیت استفاده کرد همان کریستوا می‌باشد.

قرآن کتاب آسمانی مسلمانان است و بی شک تمامی مسلمانان و معتقدین به این کتاب آسمانی از رهنمودهای زیبا و مفید آن استفاده می‌کنند و آن را سر لوحه اعمال و گفتار خویش قرار می‌دهند و خواه و ناخواه بدان استناد می‌جویند. مولای متقیان حضرت علی (ع) که اولین مردی است که به آموزه‌های آسمانی پیامبر اسلام ایمان آورده است و کتابش نهج البلاغه دومین کتاب معتبر شیعیان می‌باشد و "اخو القرآن" نامیده می‌شود. بنابراین انسان با خواندن هر جمله از آن به ارتباط بی نظیر این دو کلام پی می‌برد و در واقع می‌فهمد که بینامتنیت در این دو کلام وجود دارد.

هدف این مقاله این است که بتوانیم مناسبات قرآن با نامه حضرت علی (ع) به امام حسن (ع) را بشکافیم. و به نمونه‌هایی از بینامتنیت آن با قرآن اشاره کنیم.

الف- آشنایی با نهج البلاغه

نهج البلاغه کتاب انسان شناسی و انسان سازی است کتابی است که به دردهای روحی

انسان توجه می‌کند و درمان اساسی و لازم را ارائه می‌دهد با جان و دل و فطرت و روان و روح انسان تماس می‌گیرد. (دشتی ۱۳۶۷ ص ۱۸۴). سید رضی تدوین کننده نهج البلاغه در رابطه با عظمت سخنان امام (ع) می‌گوید: "سخنان آن حضرت در بر دارنده عجایب بلاغت و شگفتی‌های فصاحت و گوهرهای ادبیات عرب و مطالب ارزشمند در رابطه با مسائل دینی و دنیوی است که این همه از امتیازات در هیچ کلامی جمع نشده است. (همان، ۱۴۲).

بعد از قرآن کریم نهج البلاغه حکیمانه ترین کتابی است که به صورت کلامی نافذ و پرمعنی برای ماسلمانان به یادگار مانده است.

ب- بینامتنیت قرآنی نامه سی و یکم نهج البلاغه

در بینامتنیت یک متن غایب وجود دارد و یک متن حاضر که با توجه به رابطه آن با متن غایب بررسی می‌شود. متن حاضر در این مقاله نهج البلاغه و متن غایب قرآن است.

۱- بینامتنی لفظی: یکی از انواع بینامتنیت، بینامتنی لفظی است که الفاظی از متن غایب در متن حاضر ذکر می‌شود که گاهی ممکن است تنها یک کلمه باشد که آشکارا قابل درک و فهم است و از این طریق میتوان نوع روابط به کار رفته در آن را بررسی نمود: (مختاری، ابراهیمی، ۱۳۹۲، ش، ص ۶)

وَالْإِعْتِصَامُ بِحَبْلِهِ

استفاده از این لفظ یادآور آیه "واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا... به ريسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید..." (آل عمران ۱۰۳) است. همچنین در آیه ۱۰۱ این سوره هم از فایده چنگ زدن به ريسمان الهی صحبت شده است. که در روایتی از حضرت رسول (ص) منظور از حبل الله را قرآن و عترت بیان کرده اند. (اشرفی ۱۳۸۴، ص ۹۹).

"ولا تأخذك في الله لومة لائم" هرگز سرزنش ملامتگران تو را از کار باز ندارد.

این عبارت در تعامل با آیه ۵۴ سوره مائده می‌باشد که عبارت لومة لائم در آن به کار رفته است:

"يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ

يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ".

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! هرکس از شما از آیین خود بازگردد، (به خدایان نمی‌رساند؛) خداوند جمعیتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند؛ و در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند؛ آنها در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند، این فضل خداست که به هرکس بخواهد (و شایسته ببیند) می‌دهد؛ و (فضل) خدا وسیع، و خداوند داناست " (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴). در تفسیر نور درباره عبارت لومة لائم آمده است: "در راه ایمان و شکستن سنت‌ها و عادات جاهلی نباید از سرزنش‌ها و هوچی‌گری‌ها و تبلیغات سوء دشمن ترسی داشت و تسلیم جو و محیط شد. (قرائتی، ۱۳۸۳).

در فراز دهم حضرت از عبارت "بِيَدِهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ" استفاده کرده است که در تعامل است با این آیه:

" هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْقُضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ " (منافقون/۷).

ترجمه: آنها کسانی هستند که می‌گویند: "به افرادی که نزد رسول خدا هستند انفاق نکنید تا پراکنده شوند." (غافل از اینکه) خزائن آسمانها و زمین از آن خداست، ولی منافقان نمی‌فهمند. " (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴).

۲- بینامتنی مضمونی: یکی دیگر از انواع بینامتنی، بینامتنیت مضمونی است که در آن مضمون و درون مایه متن حاضر با متن غایب یکی می‌باشد، یعنی متن حاضر در برگرفته همان مضمونی است که متن غایب نیز دارای آن است.

در ابتدای نامه می‌بینیم که حضرت علی (ع) با الفاظ و عباراتی به مذمت دنیا می‌پردازد و رواقع به فرزندش متذکر می‌شود که این دنیا محل گذر است و دل بستن بدان تنها مارا از اندیشیدن به آخرت باز می‌دارد. در آیه چهارده ۱۴ سوره آل عمران می‌بینیم که خداوند انسان را از دنیا دوستی بر حذر می‌دارد و سرای آخرت را سرای واقعی انسانها بر می‌شمارد:

"زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَ الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ"

ترجمه: محبت امورمادی از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسبهای ممتاز و چهارپایان و زراعت در نظر مردم جلوه داده شده است، تادرپرتوان، آزمایش و تربیت شوند؛ ولی) اینها(در صورتی که هدف نهایی آدمی راتشکیل دهند) سرمایه زندگی پست (مادی) است؛ و سرانجام نیک(و زندگی والا و جاویدان) نزد خداست. "(همان)

در سوره یونس آیات ۷ و ۸ می‌فرماید: "إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ ﴿۸﴾ أُولَئِكَ مَا لَهُمْ مِنَ النَّارِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ"

ترجمه: آنها که ایمان به ملاقات ما(و روزستاخیز) ندارند، و به زندگی دنیا خشنود شدند و بر آن تکیه کردند و آنها که از آیات ما غافلند، (همه) آنها جایگاهشان آتش است بخاطر کارهایی که انجام می‌داده‌اند.(همان).

فَأَنِّي أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ - أَيُّ بُنَى - وَ لُزُومِ أَمْرِهِ

استفاده از کلمه تقوی و مشتقات مختلف آن و دعوت به پرهیزگاری را در تعداد زیادی از آیات قرآن مشاهده می‌کنیم، و خداوند درباره گناهان انسان راه پرهیزگاری امر می‌کند، برای مثال در آیه ۲۷۸ سوره بقره انسانها را به دوری کردن و خداترسی درباره رباخواری فرمان می‌دهد:

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبِّ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ"

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید از(مخالفت فرمان) خدا پرهیزید، و آنچه از(مطالبات) ربا باقی مانده رها کنید؛ اگر ایمان دارید.(همان)

یاد در قسمتی از آیه ۳۳ سوره لقمان انسانها را به پرهیزگاری امر می‌کند: "يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ..."

حضرت علی(ع) از لفظ تقوا و معنای این آیات که امر به تقوا کرده اند استفاده کرده است و همانطور که خداوند دعوت به تقوی را بر سایر امور ارجحیت داده اند ایشان هم اولی توصیه خود به امام راتقوی قرار داده اند.

سِرْفِي دِيَارِهِمْ وَآثَارِهِمْ، فَانظُرْ فِيمَا فَعَلُوا وَعَمَّا اتَّقَلُوا

از توصیه‌های دیگر امام(ع) به فرزندش دیدن آثار گذشتگان و عبرت گرفتن از آنها می‌باشد خداوند در آیه 44 سوره فاطر بدان اشاره می‌کند "أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً.."

ترجمه: آیا آنان در زمین نگشتند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چگونه بود؟! همانها که از آنها قوی و نیرومندتر بودند... (همان).

وَأُمْرًا بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ..

لقمان حکیم هم امر معروف بودن را جزو موعظه‌های خویش به فرزندش قرارداد است: "يُنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرًا بِالْمَعْرُوفِ...".

وَلِكِنَّهُ إِلَهٌُ وَاحِدٌ كَمَا وَصَفَ نَفْسَهُ... وَلَا يَزُولُ أَيْدَاؤُكُمْ يَزُلْ، اما خدا، خدایی است یگانه، همانگونه که خود توصیف کرد،... ناپودشدنی نیست و همواره بوده است. (دستی، ۱۳۷۸، ص ۳۷۵).

این عبارت یادآور سوره مبارکه توحید است و یا آن در تعامل می‌باشد.

وَأَعْلَمُ أَنَّ الَّذِي بِيَدِهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ أَذِنَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ..

اینکه خداوند به انسان اجازه دعا کردن داده است و از او خواسته که دعا کند در آیه ۶۰ سوره غافریه آن اشاره شده است:

"وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ"

ترجمه: پروردگار شما گفته است: "مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم. کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند باذلت وارد دوزخ می‌شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴).

نتیجه ای که از بینامتنی‌های مضمونی بدست می‌آید این است که بین متن حاضر و غایب نفی متوازی برقرار است، چون مضامین آیات به صورت در این نامه استفاده شده است و امام (ع) مستقیم خود آیات را استفاده نکرده است، بلکه تنها مضامین آیات استفاده شده است.

نتیجه

بینامتنیت از رویکردهای جدیدی است که متون با توجه به آن بررسی می‌شوند. پس از بررسی نامه سی و یکم نهج البلاغه و تحلیل مضامین و تطبیق آن با بعضی از آیات قرآن به

۷۵۲ / مجموعه مقالات برگزیده برای چاپ، ج ۵، همایش ملی بینامتنیت (التناص)، پاییز ۱۳۹۳-قم

این نتیجه رسیدیم که رابطه بینامتنیت بین این دو متن درمضمون پررنگ تر است.

همایش ملی بیامتنیت التناص



منابع

- ۱- قرآن، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی (۱۳۸۴)، انتشارات اسوه، چاپ دوم
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه محمددشتی (۱۳۷۸)، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین
- ۳- عروس، بسمه، (۲۰۱۰م) التفاعل فی الاجناس الادبیه، لبنان، الانتشارات العربی، الطبعه الاولى
- ۴- اشرفی تبریزی، محمود (۱۳۸۴)، ترجمه قرآن، چاپخانه سعدی، چاپ هفتم
- ۵- آلن، گراهام، (۱۳۸۵)، ترجمه پیام یزدانجو، تهران
- ۶- دشتی، محمد (۱۳۶۷)، مجموعه آشنایی بانهج البلاغه، جلد دوم، چاپخانه مهرقم
- ۷- رضایی دشت اورژنه، محمود (۱۳۸۸)، نقد و تحلیل قصه ای از مرزبان نامه بر اساس رویکرد بینامتنیت، مجله نقد ادبی، شماره ۴
- ۸- ساسانی، فرهاد (۱۳۸۳) پیشینه و پسینه نقد بینامتنی، مجله نقد و هنر، شماره ۶۵
- ۹- صافیان، محمد جواد، غیاثوند، مهدی (۱۳۹۰)، هر موتیک گادامری و تاویل بینامتنی، نشریه ذهن، ش ۴۸
- ۱۰- قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن
- ۱۱- قنبری، عبدالمالکی، رضا، (۱۳۹۱) مفهوم بینامتنیت در منابع بلاغت فارسی، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک شناسی، شماره ۱
- ۱۲- مختاری، قاسم، ابراهیمی، ابراهیم (۱۳۹۲)، بینامتنی قرآنی و روایی در شعر عدیل خزایی، مجله پژوهش‌های قرآنی ادبی، سال ۱، شماره ۱
- ۱۳- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴)، ترجمه قرآن، اسوه، چاپ دوم